

هدهد راهنمای پدر و مادر

قسمت

پسرِ نانوا و چهارده روایت

خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی

هدهد | قصه‌های بزرگان ایران برای بچه‌ها | یک بزرگ، یک بیت، یک چراغ



این راهنما برای شماست، نه برای بچه‌ها. پنج دقیقه خواندنش کافی است تا بعد از قسمت، حرفی برای گفتن داشته باشید. لازم نیست همه‌ی سؤال‌ها را بپرسید؛ یک سؤال خوب، از ده سؤال امتحانی بهتر است.

در یک نگاه

پخش

دوشنبه ۲۰ مهر ۱۴۰۵، روز حافظ

مدت

حدود ۲۲ دقیقه

مناسب

۷ تا ۱۴ سال؛ بهتر است با هم گوش کنید

بیتِ قسمت

سعی نابرده در این راه به جایی نرسی

مزد اگر می‌طلبی، طاعتِ استاد بپر

حافظ

درسی شمس الدین

«درخت تو گر بار دانش بگیرد / به زیر آوری

چرخ نیلوفری را»

(ناصرخسرو)

چراغ راه

«کتاب را می‌شود گم کرد، ولی چیزی که در دلت باشد، هیچ‌کس

نمی‌تواند از تو بگیرد.»

(حرفِ مادرِ بزرگ بی‌بی جان، و پدرِ شمس الدین در قصه)

چالش هفته

بیت را حفظ کنید و سرِ شام به یک نفر یاد بدهید؛ از پدرِ بزرگ یا مادرِ بزرگ

بپرسید چه شعری از حفظ‌اند

نکته‌ی حساس

هیچ بخش‌های آرام: صحنه‌ی خستگی شمس الدین

و نجوای دیو (بامزه است، نه ترسناک)



فعالیت ۱۰ دقیقه‌ای خانوادگی: «گره‌ی انار»

مناسب: جمع خانوادگی،

با بچه‌ها و بزرگ‌ترها

وسایل: یک انار | یک رشته کاموا یا نخ قرمز برای هر بچه (حدود ۳۰ سانتی‌متر) | کاغذ و مداد |

(اختیاری) گذرنامه‌ی هدده از برگه‌های چاپی

دقیقه

۲ تا ۰

انارِ نوبت انار دست‌به‌دست می‌شود. هر کس انار به دستش رسید، یک بیت، یک تکه شعر یا یک ترانه را از **حفظ** می‌خواند.

اول بزرگ‌ترها، به‌ویژه پدرِ بزرگ و مادرِ بزرگ. اگر کسی چیزی یادش نبود، اشکالی ندارد؛ انار را به نفر بعد می‌دهد.

دقیقه

۵ تا ۲

بیت حافظ در چهار قدم (۱) **معنی**: «اگه زحمت نکشی، به هیچ‌جا نمی‌رسی؛ اگه پاداش زحمت رو می‌خوای،

به حرفِ استادت گوش کن.» (۲) **ریتم**: همه با هم دست بزنند و بیت را بخوانند. (۳) **پژواک**: یک نفر مصرع اول را می‌گوید،

بقیه تکرار می‌کنند؛ بعد مصرع دوم. (۴) **جای خالی**: یکی می‌گوید «سعی نابرده در این راه...» و بچه‌ها تمامش می‌کنند.

دقیقه

۸ تا ۵

یاد بده، گره بزن حالا بچه معلم می‌شود: بیت را به یک نفر از جمع یاد می‌دهد که بلد نیست (یک عمو، یک مادرِ بزرگ،

یک بچه‌ی کوچک‌تر). **هر بار که کسی بیت را کامل خواند، یک گره روی نخ قرمزِ بچه زده می‌شود.** آخر کار، نخ را دورِ مچِ بچه

ببندید: «دستبند گره».

دقیقه

۱۰ تا ۸

سؤال از بزرگ‌تر بچه از پدرِ بزرگ یا مادرِ بزرگ (یا بزرگ‌ترین فرد جمع) می‌پرسد: «شما بچه که بودید، چه شعری حفظ کردید؟

کی یادتون داد؟» اگر خودش موافق بود، صدایش را برای آلبوم خانواده ضبط کنید. اگر خواستید برای «صدای شما» ی هدده،

بفرستید، **با رضایت خود او** و طبق راهنمای #چالش_بیت_باکس.

برای بزرگ‌ترها: منبع‌ها | قصه‌ی شاگردیِ نانوايي: روایتی از تذکرة‌های متأخر، بدون سند قطعی

● خلاصه‌ی قسمت (در یک پاراگراف)

می‌رود (این بخش افسانه است و در خود قسمت هم گفته می‌شود). مصراع دوم درسی امروزش، بیتی از ناصر خسرو، یادش نمی‌ماند و دیو در گوشش نجوا می‌کند: «ولش کن... فایده نداره». آوا و سینا دل‌داری‌اش می‌دهند. او حرف پدرش را به یاد می‌آورد که «چیزی که در دلت باشد، هیچ‌کس نمی‌تواند از تو بگیرد»، با کمک بچه‌ها بیت را بادل می‌فهمد و بی‌آن که گیر کند از بر می‌گوید. بعد آن را به آوا یاد می‌دهد و دیو جیرجیرکنان کوچک می‌شود. هدهد چهل سال جلو می‌رود: در باغی در شیراز، همان پسر حالا مردی است که مردم «حافظ» صدایش می‌کنند و بیت این قسمت را می‌خواند. در خانه، بچه‌ها بیت را از حفظ می‌خوانند و اولین گره طلایی می‌شود.

غروب روز حافظ است و آوای ۸ ساله و برادرش سینای ۱۲ ساله در خانه‌ی قدیمی بی‌بی‌جان، بی‌اینترنت، حوصله‌شان سر رفته. بی‌بی از آن‌ها می‌خواهد قالیچه‌ی کهنه‌ی توی صندوقخانه را بیاورند. آوا دانه‌های انار را روی ترنج وسط قالیچه می‌ریزد؛ یک دانه روی چشم هدهد بافته‌شده می‌افتد، هدهد عطسه می‌کند و زنده می‌شود. هدهد می‌گوید این «قالیچه‌ی هزار گره» است و «دیو فراموشی»، که مثل یک باد سرد و یک خمیازه‌ی طولانی از راه می‌رسد، دارد سیزده گره‌ی طلایی‌اش را باز می‌کند. با «بسم‌الله... پر بزن!» به نانوائی‌ای در شیراز حدود هفتصد سال پیش می‌روند. شمس‌الدین محمد، پسری دوازده‌ساله که شاگرد نانواست، از خروس‌خوان کار می‌کند و بعد به مکتب

● شش سؤال برای سر شام

قاعده‌ی طلایی: اول خودتان جواب بدهید. بچه‌ها از قصه‌ی کوتاه شما بیشتر یاد می‌گیرند تا از سؤال بلند شما. دنبال «جواب درست» نباشید؛ دنبال یک خاطره‌ی واقعی باشید.

۱ ول کردن

برای ۷ تا ۹ ساله‌ها: «شمس‌الدین چرا می‌خواست ول کنه؟ تو تا حالا خواستی یه کاری رو ول کنی؟»

برای ۱۰ تا ۱۴ ساله‌ها: «سینا راستشو گفت: "گاهی ول می‌کنم." فرق "ول کردن" با "یه کم استراحت کردن" چیه؟ یه بار رو تعریف کن که ول نکردی و بعدش خوشحال بودی.»

به چه گوش بدهید: آیا بچه می‌تواند «خستگی» را از «نتوانستن» جدا کند؟

۲ راز حفظ کردن

برای ۷ تا ۹ ساله‌ها: «شمس‌الدین گفت وقتی به کسی یاد می‌دی، دوبار یاد می‌گیری. امشب بیت رو به کی یاد بدیم؟»

برای ۱۰ تا ۱۴ ساله‌ها: «چرا یاد دادن، خود آدم رو بهتر یاد می‌ده؟ چیزی بوده که به کسی یاد دادی و خودت بهتر فهمیدی؟»

به چه گوش بدهید: فرصتی برای این که بچه همین امشب معلم یک نفر شود

۳ گنجی که نمی‌شه دزدید

برای ۷ تا ۹ ساله‌ها: «اگه همه‌ی کتاب‌ها گم بشن، تو چی از حفظی که هیچ‌کس نمی‌تونه ازت بگیره؟» (شعر، ترانه، یه قصه، شماره‌ی تلفن بابا!)

برای ۱۰ تا ۱۴ ساله‌ها: «الان همه چیز توی گوشی هست. پس چرا هنوز ارزش داره یه چیزی رو از حفظ باشیم؟»

به چه گوش بدهید: بحث خوب، نه جواب قطعی. هر دو طرف را بشنوید.

فقط برای بزرگ‌ترها: حرف رمز

حرف رمز این قسمت نزدیک دقیقه‌ی ۲۰، در بخش

«رمز و قلاب»، گفته می‌شود.

بگذارید بچه خودش آن را بشنود و در گذرنامه‌ی هدهد

بنویسد؛ شما فقط مهر تأیید بزنید. لطفاً حرف‌ها را

در شبکه‌های اجتماعی لو ندهید.



۴ صدای «ولش کن»

برای ۷ تا ۹ ساله‌ها: «دیو فراموشی توی گوش شمس‌الدین چی گفت؟ اگه دیو توی گوش تو هم بگه "ولش کن"، تو چی جوابش می‌دی؟»

برای ۱۰ تا ۱۴ ساله‌ها: «صدای "ولش کن" توی ذهن ما از کجا میاد؟ آوا چطوری به شمس‌الدین کمک کرد؟ تو چطوری به یه دوست کمک می‌کنی؟»

به چه گوش بدهید: جمله‌ای که بچه برای جواب دادن به دیو می‌سازد، تلاست؛ یادداشتش کنید.

۵ راست یا قصه؟

برای ۷ تا ۹ ساله‌ها: «کدومش قصه بود: این که بیت "سعی نابرده..." مال خود حافظه، یا این که حافظ بچه که بود شاگرد نانوا بود؟»

برای ۱۰ تا ۱۴ ساله‌ها: «اگه داستان نانوائی سند محکمی نداره، چرا هنوز تعریفش می‌کنن؟ قصه‌ها چه کمکی به فهمیدن حقیقت می‌کنن؟»

به چه گوش بدهید: جواب هدهد را یادآوری کنید: «هم واقعیه، هم قصه‌ست.» آیا بچه می‌داند کدام سند دارد و کدام ندارد؟

۶ کتابخانه‌ی دل

برای ۷ تا ۹ ساله‌ها: «بی‌بی گفت مادر بزرگش سواد نداشت، ولی یه دنیا شعر از حفظ بود. بیا از مامان بزرگ یا بابا بزرگ بپرسیم چی از حفظن!»

برای ۱۰ تا ۱۴ ساله‌ها: «اگه قرار بود یه شعر یا یه جمله رو تا آخر عمرت از حفظ داشته باشی، تا یه روز به بچه‌ی خودت یاد بدی، کدوم بود؟ چرا؟»

به چه گوش بدهید: انتخاب نوجوان چیزی درباره‌ی دل او می‌گوید. نقدش نکنید.

قسمت بعد: ۲۹ مهر، ساعت ۱۷ | برگه‌های چاپی: سایت هدهد، صفحه‌ی «دانلودها»